

مسئولیت مدنی ناشی از ترس (مطالعه تطبیقی در فقه امامیه، حقوق ایران و حقوق عرفی)

صمصام کاظمی^{۱*}. اسداله ایزدخواه^۲

گروه حقوق، واحد بهبهان، دانشگاه آزاد اسلامی، بهبهان، ایران
(* صمصام کاظمی: samsamkazemi26111370@gmail.com)

چکیده

مسئولیت مدنی امروزه در زمره دعاوی بسیار شایع بوده و حجم زیادی از دعاوی و اختلافات مطروحه در دادگاه ها را دعاوی مسئولیت مدنی تشکیل داده است. مسئولیت مدنی در حقوق مدنی مورد توجه قرار گرفته و برای آن شرایطی تعیین شده است. اگر چه ورود زیان عمدتاً با افعال مادی (فیزیکی) محقق می شود، لکن تحقق ضمان فارغ از نوع فعل زیانبار از حیث مادی یا غیر مادی بودن است. فعل زیانبار در شکل غیر مادی نیز می تواند موجب تحقق زیان و ضمان گردد. ترس به عنوان یکی از افعال غیر مادی که در فقه و حقوق منشأ اثر است، در قلمرو مسئولیت مدنی نیز چنانچه منتج به زیان گردد، با احراز رابطه سببیت بین زیان و فعل ترس آفرین، موجب ضمان خواهد بود. مسئولیت مدنی ناشی از ترس، شامل «زیان ناشی از ترسیدن» و «زیان ناشی از ترساندن» است. در هر دو حالت، ترس می تواند هم به عنوان «ضرر» و هم به عنوان «سبب ورود ضرر» از موجبات ضمان به شمار آید.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت مدنی - ترس - فقه امامیه - حقوق ایران - نظام حقوقی عرفی

1- مقدمه

ورود زیان عمدتاً با افعال مادی (فیزیکی) بر جان یا مال دیگری محقق می گردد. مطالبه خسارت نیز صرفاً با استناد زیان به فعل زیانبار امکانپذیر است. بسیاری از افعال آدمی اگر چه صورت مادی و فیزیکی ندارند، لکن دارای اثر خارجی و بیرونی هستند. در فقه، مسئولیت مدنی ناشی از ترس، ذیل عنوان «ضمان اخافه» و در کتاب دیات، مورد توجه قرار گرفته است. فقها با استناد به صحیحه حلبی که می فرماید: «اگر کسی دیگری را که بر روی دیوار ایستاده است، بترساند یا حیوان او را رم دهد و در اثر این امور آن فرد بیافتد و در اثر سقوط بمیرد یا مصدوم گردد، ترساننده ضامن دیه وی خواهد بود»، زیان و ضمان از طریق اخافه را پذیرفته اند. در حقوق ایران، قوانین مدنی و مسئولیت مدنی اشاره مستقیمی به ضمان ناشی از ترس ندارند، لکن مبنای قانونی آن در قانون مجازات پیش بینی شده است. قانون مجازات (مصوب 1392) در بحث دیات، مرگ یا ایراد صدمات ناشی از ترس را از موجبات ضمان به شمار آورده است. در حال حاضر مواد 499 و 501 قانون مذکور، احکام ناظر بر ضمان اخافه را پیش بینی کرده اند. طبق ماده 499: «هرگاه کسی دیگری را بترساند و آن شخص در اثر ترس، بی اختیار فرار کند یا بدون اختیار حرکتی از او سر بزند که موجب ایراد صدمه بر خودش یا دیگری گردد، ترساننده حسب تعاریف جنایات عمدی و

(1) و (2) گروه حقوق، واحد بهبهان، دانشگاه آزاد اسلامی، بهبهان، ایران

غیر عمدی مسئول است». ماده 501 نیز مقرر می دارد: «هرگاه کسی به روی شخصی سلاح بکشد یا حیوانی مانند سگ را به سوی او برانگیزد یا هر کار دیگری که موجب هراس او می گردد، مانند فریاد کشیدن یا انفجار صوتی انجام دهد و بر اثر این ارباب، شخص بمیرد یا مصدوم گردد، حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می شود».

مشاهده می گردد که دو ماده مذکور تحقق زیان و ضمان ناشی از ترس را در مورد قتل و سایر صدمات جسمی مورد نظر قرار داده، اگر چه از زیان مالی سخنی به میان نیامده، لکن دلیلی برای مشمول نشدن آن در قلمرو این مواد وجود ندارد. در حقوق عرفی، خسارات ناشی از اعمال غیر مادی که تحت عنوان «مسئولیت بدون برخورد» شناخته می شود، قابل مطالبه هستند. این نوع مسئولیت که پذیرش و تثبیت آن در نظام های ملی حقوق عرفی از سابقه چندانی برخوردار نیست؛ در حال حاضر در «رویه قضایی» و «حقوق موضوعه» تمام کشورهای حوزه کامن لا مورد پذیرش قرار گرفته است. در حقوق کامن لا، «ترساندن عمدی» که به هر نوع اقدام عمدی و ارادی که سبب می شود یک انسان متعارف به طور مستقیم یا غیر مستقیم در حالت تدافعی و پیشگیرانه ناشی از ترس قریب الوقوع از صدمات جسمانی قرار گیرد، اطلاق می گردد. این واکنش که عموماً منفعلانه و ناگهانی است، می تواند به وقوع زیان منتج گردد. حال پرسش اصلی این است که آیا زیان ناشی از ترس (و به طور کلی ناشی از افعال غیر مادی) قابل جبران است؟ خواستگاه پرسش فوق به تردید سنتی اقلیتی از فقها و حقوقدانان در امکان استناد زیان به اعمال غیر مادی (از جمله ترس) بوده است.

مطالعه متون فقهی و حقوقی نشان می دهد که ترس نوع اول (ترس صرف) به خاطر فقدان ضمان اجرا از دایره حقوق خارج است و در قلمرو اخلاق قرار می گیرد. در فقه، ایجاد ترس صرف دارای حکم وضعی نیست، لکن در نصوص فقهی و دینی ترساندن بدون وجه دیگری، از جمله حقوق الناس است که اگر عمدی باشد حرام و چنانچه سهوی باشد، مستلزم عذرخواهی و طلب حلالیت در نظر برخی، حتی ترساننده مستحق تعزیر و گاهی ترس موجب ثبوت دیه و قصاص است. در حقوق ایران، ترس صرفی که از نظر پزشکی، نه خود ضایعه روحی و روانی محسوب می شود و نه در آینده منجر به ضایع های خواهد شد، از مصادیق ضرر معنوی است؛ زیرا ترساندن فرد، بدون رضایت او صورت گرفته و اگر موجب رنجش خاطر شده باشد، می تواند نوع خفیفی از لطمه به احساس و روان محسوب گردد؛ لکن با توجه به عدم امکان ارزیابی و تقویم، غیر قابل جبران خواهد ماند. در حقوق عرفی نیز ترسی که صرفاً موجب یک ناخوشایندی و ناراحتی زودگذر باشد، قابلیت طرح دعوی خسارت ندارد؛ لکن ترساندن عمدی دیگری، ولو به زیان هم منجر نگردد، چنانچه در اوضاع و احوالی باشد که هر انسان متعارفی را در آن وضعیت وادار به واکنش دفاعی برای جلوگیری از مرز قریب الوقوع می کند، دارای عنوان مجرمانه و قابل مجازات است. در واقع ایجاد امنیت روانی و کاهش اعمال خشونت آمیز در جامعه از دلایلی است که برای فلسفه مجازات رفتارهای ترسناک بیان گردیده است. بر همین اساس آنچه در این تحقیق اهمیت و ضرورت دارد مطالعه مسئولیت مدنی ناشی از ترس (مطالعه تطبیقی در فقه امامیه، حقوق ایران و نظام حقوقی عرفی) است.

2- جایگاه فقهی - حقوقی ترس در مسئولیت مدنی

1-2- مفهوم شناسی ترس

«ترس» به عنوان یکی از افعال آدمی، موضوع علوم روانشناسی و جامعه شناسی است و تبیین مفهوم آن به عهده علوم مربوط است. مسلماً از منظر این علوم، ترس تعاریف و انواع مختلفی دارد که این نوشتار عهده دار بیان آن ها نیست. نوشتار حاضر، ترس را در مفهوم یک واکنش احساسی و معمولاً ناخودآگاه و ناخوشایند که انسان در مواجهه با خطر از خود بروز می دهد، به کار می برد. دو ویژگی «ناگهانی بودن» و «زبانبار بودن» در کنار این مفهوم از ترس آن را به بحث ضمان در حقوق مرتبط می سازد.

2-2- ناگهانی بودن ترس

منظور از «ترس ناگهانی» ترسی است که غیر منتظره و غیر قابل پیش بینی است و موجب وحشت هر انسان متعارفی شده، او را ناخودآگاه در حالت تدافعی قرار می دهد. ایجاد ترس ناگهانی، مستلزم شکل و روش خاصی نیست و لزومی ندارد فعلی که موجب ترس شده نوعاً ترسناک باشد. ممکن است یک عمل عادی (مثل بوق زدن) در اوضاع و احوال خاص (مثلاً در شب یا در مکانی خلوت) موجب وحشت گردد. ترس ناگهانی، در زبان فارسی با واژه «هول»، «خوف» یا «وحشت» کردن هم شناخته می شود. معادل این مفهوم در عربی «خوف» در انگلیسی (Fright) است. یادآوری می شود واژه های «ارعاب»، «افزع» و «ارهاب» در عربی و (Fear)، (Scare)، (Panic) در انگلیسی نیز در معنای ترس استعمال می گردند؛ لکن در مفهوم ترس ناگهانی موضوع ضمان رایج نیستند.

2-3- زیانبار بودن ترس

از منظر زیان و ضمان می توان ترس را به دو نوع «زیانبار» و «غیر زیانبار» تقسیم کرد. منظور از ترس غیر زیانبار، ترسی است که اثر آن صرفاً یک ناخوشایندی یا ناراحتی موقت و لحظه ای است. این نوع ترس که آن را «ترس صرف» یا «صرف ترس» نیز می نامیم، به دلیل فقدان ضمانت اجراء، از حوزه حقوق خارج است. منظور از ترس زیانبار، ترسی است که علاوه بر دارا بودن ویژگی ترس نوع اول، مستقیم یا غیر مستقیم سبب ورود زیان نیز می گردد. منظور از زیان مستقیم، زیانی است که به شکل ضایعه روحی یا جسمی، مستقیماً و مستقلاً اثرگذار است (مثل از هوش رفتن، سکتة کردن و حتی مُردن). حالت غیر مستقیم زیان ناشی از ترس، ناظر به ورود زیان پس از واکنش ناخودآگاه به عمل ترس آفرین است؛ مثل کسی که به سبب فعل ترسناک دیگری دچار وحشت شده، بی اختیار فرار می کند و در حین فرار به خود یا دیگری زیان برساند.

2-4- آثار ترس در فقه و حقوق

ترس در فقه و حقوق، منشأ آثار بوده، موجب تغییر در احکام وضعی و تکلیفی (اعم از عبادی و معاملات) می گردد. مثلاً خوف تلف جان یا مال، موجب جواز قطع نماز واجب یا تیمم به جای وضو است [1]؛ یا اینکه احتمال خوف تلف اموال در نزد محجورین، موجب جواز أخذ اموال از آن ها به منظور حفظ و نگهداری است. در عقد ودیعه، خروج از اذن مودع از شیوه نگهداری مال ودعی به سبب خوف تلف، موجب رفع ضمان تعدی و تفریط می گردد [2]. واجد آثار بودن خوف در حقوق ایران نیز قابل تأیید است. به عنوان مثال، در بحث امکان بیع وقف، خوف خرابی مال موقوفه، موجب جواز بیع وقف خواهد بود^۱ و در نکاح، خوف ضرر جانی یا مالی یا شرافتی زوجه از زندگی با زوج، موجب ایجاد حق اختیار مسکن علی حده برای زوجه می گردد.^۲

1- ماده 88 ق.م: «بیع وقف در صورتی که خراب شود یا خوف آن باشد که منجر به خرابی گردد به طوری که انتفاع از آن ممکن نباشد، در صورتی جائز است که عمران آن معتذر باشد یا کسی برای عمران آن حاضر نشود».

1- ماده 1115 ق.م: «اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد، زن می تواند مسکن علیحده اختیار کند».

3- مسئولیت مدنی ناشی از ترس

در فقه، مسئولیت مدنی ناشی از ترس، ذیل عنوان «ضمان اخافه»^۱ و در کتاب دیات مورد توجه قرار گرفته است. فقها با استناد به صحیح‌ه حلبی که می‌فرماید: «اگر کسی دیگری را که بر روی دیوار ایستاده است، بترساند یا حیوان او را رم دهد و در اثر این امور آن فرد بیافتد و در اثر سقوط بمیرد یا مصدوم گردد، ترساننده ضامن دیه وی خواهد بود»، زیان و ضمان از طریق اخافه را پذیرفته اند [3].

در حقوق ایران، قوانین مدنی و مسئولیت مدنی، اشاره مستقیمی به ضمان ناشی از ترس ندارند؛ لکن مبنای قانونی آن در قانون مجازات پیش بینی شده است. قانون مجازات (مصوب 1392) در بحث دیات، مرگ یا ایراد صدمات ناشی از ترس را از موجب ضمان به شمار آورده است. در حال حاضر مواد 499 و 501 قانون مذکور، احکام ناظر بر ضمان اخافه را پیش بینی کرده اند. طبق ماده 499: «هرگاه کسی دیگری را بترساند و آن شخص در اثر ترس بی اختیار فرار کند یا بدون اختیار حرکتی از او سر بزند که موجب ایراد صدمه بر خودش یا دیگری گردد، ترساننده حسب تعاریف جنایات عمدی و غیر عمدی مسئول است». ماده 501 نیز مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی به روی شخصی سلاح بکشد یا حیوانی مانند سگ را به سوی او برانگیزد یا هر کار دیگری که موجب هراس او می‌گردد، مانند فریاد کشیدن یا انفجار صوتی انجام دهد و بر اثر این ارباب، شخص بمیرد یا مصدوم گردد، حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می‌شود»^۲.

مشاهده می‌گردد که دو ماده مذکور تحقق زیان و ضمان ناشی از ترس را در مورد قتل و سایر صدمات جسمی مورد نظر قرار داده، اگر چه از زیان مالی سخنی به میان نیامده، لکن دلیلی برای مشمول نشدن آن در قلمرو این مواد وجود ندارد. در حقوق عرفی، خسارات ناشی از اعمال غیر مادی که تحت عنوان «مسئولیت بدون برخورد»^۳ شناخته می‌شود، قابل مطالبه هستند. این نوع مسئولیت که پذیرش و تثبیت آن در نظام‌های ملی حقوق عرفی از سابقه چندانی برخوردار نیست، در حال حاضر، در «رویه قضایی»^۴ و «حقوق موضوعه»^۵ تمامی کشورهای حوزه کامن لا مورد پذیرش قرار گرفته است [4].

در حقوق کامن لا، «ترساندن عمدی»^۶ از مصادیق (assault) به معنای «حالت تهدید و تهاجم» است که به هر نوع اقدام عمدی و ارادی که سبب می‌شود یک انسان متعارف به طور مستقیم یا غیر مستقیم در حالت تدافعی و پیشگیرانه ناشی از ترس قریب الوقوع از صدمات جسمانی قرار گیرد، اطلاق می‌گردد [5].

حالت تهدید و تهاجم، هم یکی از انواع شبه جرم‌های علیه اشخاص و از مصادیق «تعدی به شخص»^۷ و هم یکی از جرائم علیه اشخاص محسوب می‌گردد.^۸ هنگامی که عمل ترس آفرین به قصد ترساندن باشد و فرد هم بترسد، به عنوان «حالت تهدید و تهاجم مجرمانه»^۹ شناخته می‌شود؛ ولی چنانچه فقط قصد فعل وجود داشته باشد (نه قصد ترساندن) و منجر به ورود زیان گردد، آنگاه در شمار خطاهای مدنی است و از آن به عنوان «حالت تهدید و تهاجم خطایی»^{۱۰} یاد می‌شود [6].

1- اخافه از ریشه «خوف» و به معنای ترساندن و ایجاد رعب و وحشت کردن است.

2- این دو ماده با انجام اصلاحاتی، جانشین مواد 325 و 326 قانون مجازات (مصوب 1370) شده اند.

3- liability without impact

4- precedent law

5- statute law

6- intentional frightening

7- trespass to the person

8- به عنوان نمونه در حقوق کانادا «حالت تهدید و تهاجم» در قانون مجازات کانادا (ماده 265) به عنوان یکی از جرائم علیه اشخاص و در

قانون مسئولیت مدنی (ماده 13) به عنوان یکی از شبه جرم‌ها شناخته می‌شود.

9- criminal assault

10- tortuous assault

از منظر حقوق جزا، بروز ترس ناگهانی برای تحقق جرم «حالت تهدید و تهاجم» کافی دانسته نشده، لکن از منظر حقوق شبه جرم ها، مطالبه جبران خسارت ناشی از «حالت تهدید و تهاجم»، مستلزم ورود زیان است؛ بنابراین، ترس صرفی که زبانی را به بار نیاورد، قابلیت طرح دعوا را نیز ندارد [7].

4- نقش ترس در تحقق زیان و ضمان

4-1- ترس به عنوان ضرر

در اینجا پرسش اصلی این است که آیا آنچه به صورت واکنش ناخودآگاه و ناخوشایند در فرد اتفاق می آفتد و ما آن را ترس می نامیم، می تواند از مصادیق «ضرر» محسوب گردد؟ مطالعه متون فقهی و حقوقی نشان می دهد که ترس نوع اول (ترس صرف) به خاطر فقدان ضمان اجرا از دایره حقوق خارج است و در قلمرو اخلاق قرار می گیرد. در فقه، ایجاد ترس صرف دارای حکم وضعی نیست، لکن در نصوص فقهی و دینی ترساندن بدون وجه دیگری، از جمله حقوق الناس است که اگر عمدی باشد، حرام و چنانچه سهوی باشد مستلزم عذرخواهی و طلب حلالیت [1]. در نظر برخی، حتی ترساننده مستحق تعزیر و گاهی ترس موجب ثبوت دیه و قصاص است [8].

در نتیجه می توان گفت که ترس صرف در فقه، مشمول تعریف ضرر، از نوع معنوی آن می گردد. این قسم در زبان فقها، اضرار به «عرض» است و شامل تمامی اعمالی می شود که موجب نارضایتی فرد باشد. شاید کامل ترین تعریف از ضرر را بتوان در کلام میر فتح مراغه ای یافت که با تعبیر «مما لا یرضی بظهوره» از ضرر، هر فعلی را که موجب تحقیر، شرمندگی یا بی احترامی دیگری گردد، ولو این که موقت و زودگذر باشد، نوعی «اضرار به عرض» و «اسقاط احترام» می داند؛ یعنی هر چیزی که موجب نارضایتی انسان باشد، «هتک عرض» محسوب می شود [9].

در حقوق ایران، ترس صرفی که از نظر پزشکی، نه خود ضایعه روحی و روانی محسوب می شود و نه در آینده منجر به ضایعه ای خواهد شد، از مصادیق ضرر معنوی است؛ زیرا ترساندن فرد، بدون رضایت او صورت گرفته و اگر موجب رنجش خاطر شده باشد، می تواند نوع خفیفی از لطمه به احساس و روان محسوب گردد؛ لکن با توجه به عدم امکان ارزیابی و تقویم، غیر قابل جبران خواهد ماند.

در حقوق عرفی نیز ترسی که صرفاً موجب یک ناخوشابندی و ناراحتی زودگذر باشد، قابلیت طرح دعوای خسارت ندارد؛^۱ لکن ترساندن عمدی دیگری، ولو به زیان هم منجر نگردد، چنانچه در اوضاع و احوالی باشد که هر انسان متعارفی را در آن وضعیت، وادار به واکنش دفاعی برای جلوگیری از ضرر قریب الوقوع می کند، دارای عنوان مجرمانه و قابل مجازات است. ایجاد امنیت روانی و کاهش اعمال خشونت آمیز در جامعه از دلایلی است که برای فلسفه مجازات رفتارهای ترسناک بیان گردیده است [10].

بنا بر آنچه گفته شد، ترسی که زبانی به دنبال ندارد، اگر چه از منظر فقه و حقوق ضرر محسوب می شود، لکن به خاطر فقدان ضمانت اجرا، قابل مطالبه خسارت نیست؛ اما چنانچه واکنش فیزیولوژیک فرد در قبال موقعیت ترسناک، تبدیل به یک ضایعه روحی یا جسمی- که از نظر پزشکی به عنوان بیماری شناخته می شود- گردد، تردیدی در قابلیت جبران خسارت آن وجود نخواهد داشت.

1- به عنوان مثال ماده 7 قانون مجازات کانادا (مصوب 2014) مقرر می دارد: «ضررهای روحی ناشی از ترس شامل واکنش های احساسی معمولی مثل افسردگی، ناراحتی و عصبانیت نیست».

4-2- ترس به عنوان سبب ورود ضرر

گاهی مواقع، عمل ترس آفرین مستقیماً زیانبار نیست، بلکه سبب ورود زیان را فراهم می کند. در این موارد، ترس ابتدا منجر به ضایعه ای نمی گردد، لکن سبب واکنش ناگهانی می شود که متعاقب آن زیان رخ می دهد. حال این پرسش مطرح است که آیا اصولاً «ترس» می تواند از مصادیق اسباب بروز خسارت باشد؟ البته طرح این پرسش، ریشه در یک بحث کلی در خصوص تحقق یا عدم تحقق خسارت از طریق اعمال غیر مادی دارد.^۱ خواستگاه این بحث به تردید سنتی فقها و حقوقدانان در تحقق زیان از طریق اسباب غیر مادی باز می گردد. شاید علت تردید برخی از فقها در پذیرش ضمان با افعال زیانبار غیر مادی، تأثیرپذیری ایشان از نظری است که گویی موجبات ضمان را منحصر در اسباب شرعی و اسباب مورد اجماع فقها می داند [8]؛ در حالی که رویکرد غالب در فقه اسباب اتلاف را عرفی و عقلی - و نه تعبدی - می داند و از همین رو، فقها اتلاف از طریق عوامل غیر مادی را پذیرفته اند. بحث های مفصلی در خصوص «مرگ ناشی از صیحه» تحت عنوان «اخافه بالصیاح» در آثار فقهی قابل مشاهده است [11].

اگر چه ایشان عمدتاً بر اخافه با صیحه تمرکز داشته اند، لکن این امر دلالت به محدود شدن تحقق ترس و ضمان آن از طریق صیحه نیست. عموم ادله ضمان، شامل سایر انواع و اسباب غیر عادی اخافه نیز می گردد [12].

در حقوق ایران نیز دلیلی برای مخالفت با ضمان آور بودن افعال غیر مادی مشاهده نمی گردد. طبق ماده یک قانون مسئولیت مدنی ایران، فعل زیانبار به هر شکل واقع شود، اعم از این که مادی یا غیر مادی باشد، چنانچه موجب زیان شود مسئولیت آور تلقی می شود. آنچه در تحقق ضمان نقش اول را ایفاء می کند، استناد عرفی زیان به فعل زیانبار است. در حقوق کامن لا، مسئولیت ناشی از اعمال غیر مادی، تحت عنوان «مسئولیت بدون برخورد»^۲ شناخته می شود. خواستگاه پذیرش این نوع مسئولیت، محاکم قرن 19 انگلستان و آمریکا بوده اند که اولین دعاوی مطالبه خسارت ناشی از ترس را پذیرفته اند. مسئولیت بدون تماس پس از به رسمیت شناخته شدن و تثبیت در حقوق انگلستان، تحت عنوان یک «قاعده مترقی انگلیسی»^۳ به تدریج به آمریکا و سپس به تمام کشورهای حوزه کامن لا وارد شده است.^۴

در انگلستان تا پیش از دعوی «خانم بل علیه شرکت راه آهن شمال» (1890)^۵ که به صدور اولین رأی جبران خسارت ناشی از ترس انجامید، قضات انگلیسی تمایلی به پذیرش این نوع دعاوی نداشته اند. در واقع صدور این رأی، سرآغاز تأسیس قاعده «مسئولیت بدون برخورد» در حقوق عرفی به شمار می آید [13].

پس از انگلستان، محاکم ایالات متحده آمریکا دکتترین «مسئولیت بدون برخورد» را پذیرفته، به اختلاف طولانی صلاحیت های قضایی ایالتی در پذیرش یا عدم پذیرش دعاوی جبران خسارات ناشی از اعمال غیر مادی پایان دادند [14].

1- منظور از اعمال مادی، افعالی است که بر جسم اعمال می شوند و لزوماً با تماس و برخورد فیزیکی همراه است و منظور از اعمال غیر مادی، افعالی است که به نوعی بر روح و روان (عقل و اراده) فرد تأثیر گذاشته، او را وادار به واکنش می کنند.

2- liability without impact

3- the English liberal rule of liability without impact

4- ضمان اخافه چندین قرن قبل در حقوق اسلام مورد پذیرش و به تفصیل مورد بحث فقها قرار گرفته است.

5- در دعوی مذکور، خانم بل مسافر یکی از واگن های شرکت راه آهن شمالی انگلستان، به خاطر شدت گرفتن ناگهانی سرعت قطار در یک سرازیری، دچار وحشت و شوک شدیدی به وی وارد آمد که طی آن دچار روان پریشی گردید.

در ایالات متحده، دعوی «باتلا علیه مقامات ایالت نیویورک»^۱ در سال ۱۹۶۱، منجر به صدور اولین حکم جبران خسارت ناشی از ترس گردید [۱۳]. تا پیش از آن، تمام دعاوی جبران خسارت ناشی از ترس که تحت عنوان (Fright Cases) شناخته می شدند، مورد پذیرش محاکم قرار نمی گرفتند؛ لکن در حال حاضر، این خسارات که تحت عنوان «صدمات جسمانی بدون تماس»^۲ شناخته می شوند، در قالب «خسارت های تبعی»^۳ قابل مطالبه هستند [۱۵].

5- مسئولیت مدنی زیان ناشی از ترسیدن

شناخت مسئولیت مدنی شخص را ملزم می نماید که همواره جانب احتیاط را لحاظ نموده و حقوق دیگران را محترم شمارد. این شناخت از یکسو در عمل باعث جبران خسارت به زیان دیده و از سوی دیگر با نقش بازدارندگی، باعث ایجاد آرامش در جامعه می شود. مسئولیت مدنی در حقوق مدنی ایران به تع فقہ امامیه در دو باب اتلاف و تسبیب مورد بحث قرار گرفته است. البته می توان قاعده لاضرر را نیز به عنوان قاعده حاکمه در این موضوع قلمداد نمود. در نظام حقوق اسلامی مبانی فقهی مانند قاعده لاضرر، قاعده تسبیب، قاعده ید و امثالهم می تواند توجیه کننده جبران خسارت و مسئولیت مدنی باشد. از منظر فقہ و حقوق، هیچ کس حق ندارد سلامتی و زندگی دیگران را به خطر بیندازد و می بایست در اعمال و رفتار خود جانب احتیاط را رعایت نموده و از مقررات خود عدول ننماید. بنابراین به محض اینکه حقی از بین رفت و زیانی وارد شد، عامل زیان باید آن را جبران نماید. منظور از ترسیدن، ناظر به مواقعی است که فردی از فعل دیگری، دچار ترس ناگهانی شده، نتیجه واکنش او، سبب بروز خسارت به خودش یا دیگری می گردد. در اینجا فاعل عمل ترس آفرین، قصد ترساندن شخص یا اشخاص معینی را ندارد، لکن عمل او به هر دلیلی دچار ترس منجر به زیان در دیگری می گردد.

5-1- ترسیدن به سبب فعل متعارف دیگری

در مواردی که فرد به سبب ترسیدن از فعل متعارف دیگری موجب بروز زیان می گردد، در حالی که کسی قصد ترساندن او یا هر شخص دیگری را نداشته است، مسئولیت جبران خسارت به عهده خود او است. زیان ناشی از ترسیدن در اینجا یا زیان مستقیم به خود فرد ترسیده است (مثل شوک عصبی یا ایست قلبی) و یا زیان غیر مستقیم به دیگری (مثل کسی که از شنیدن صدای ناگهانی رعد و برق، بی اختیار به لباس دیگری چنگ بزند یا موجب آسیب جسمانی به وی گردد). در هر دو حالت، با فرض متعارف بودن رفتار فاعل ترس آفرین، ضمان بر عده فرد ترسیده خواهد بود؛ به عبارت دیگر، اگر فعل ترس آفرین، نوعاً زیانبار یا ترسناک نباشد و انجام آن نیز با تعدی و تفریط (تقصیر) همراه نباشد، ضمانی را هم در پی نخواهد داشت؛ مثل کسی که در یک مکان آرام با شنیدن صدای زنگ، بوق خودرو و یا حتی صدای عطسه دیگری بترسد و دچار عارضه جسمی یا روحی گردد. در فقہ «الخائف علی نفسه» (ضمان به عهده خود فرد ترسیده است) را می توان در اینجا مورد استناد قرار داد. فقها این قاعده را در قالب مثال واحدی به تصویر کشیده اند. مثال ایشان در مورد کسی است که در یک کشتی گرفتار توفان، برای جلوگیری از غرق شدن، جهت سبک کردن کشتی، اقدام به ریختن اموال خود در دریا کند [۱۶]. در حقوق ایران

1- در دعوی مذکور، خواهان با فرزند خود سوار تله سیژ کوهستان بلیر می شوند، متصدی مربوط فراموش می کند که کمر بند ایمنی فرزند خواهان را محکم کند. در نتیجه، در طول مسیر وی دچار وحشت جنون آمیزی می شود که متعاقباً ضایعه های روحی و جسمی را نیز به دنبال دارد.

2- untouched physically injuries

3- خسارت های تبعی (consequential damages) آن دسته از زیان هایی است که مستقیم یا فوری از فعل زیانبار حاصل نمی شود، بلکه نتیجه غیر مستقیم آن فعل هستند.

نیز این شکل از ترسیدن، تحت عنوان «مجرد خوف»^۱ و همچنین در حقوق کامن لا، ذیل عنوان «صرف ترس»^۲ برای فاعل ترس آفرین ضمانی را به دنبال نخواهد داشت.

5-2- ترسیدن به سبب تقصیر دیگری

چنانچه ترس زیانبار، ناشی از تقصیر دیگری باشد، آنگاه در صورت اثبات رابطه سببیت، ضمان بر عهده فاعل عمل ترس آفرین خواهد بود. در اینجا، تفاوتی ندارد که فعل او نوعاً ترس آفرین باشد و یا فعل عادی و متعارفی باشد که در اوضاع و احوال خاص حاکم بر آن، نوعاً ترس آفرین یا زیانبار می گردد. در اینگونه موارد، با ملاحظه زمان و مکان خصوصیات عمل ترس آفرین، چنانچه رابطه سببیت بین زیان و فعل ترس آفرین احراز گردد، ترساننده مسئول جبران خسارات است.

6- مسئولیت مدنی ناشی از ترساندن

در این حالت آنچه در تحقق ضمان موضوعیت دارد، قصد فعل - نه قصد نتیجه - یعنی تحقق ترس در شخص یا اشخاص معین است؛ بنابراین، قصد فاعل (شوخی یا تأدیب) و نوع فعل ترسناک، هیچ یک در تشخیص ضمان لحاظ نخواهد شد. در نتیجه، ترساندن دیگری با هر روش و با هر قصد و انگیزه صورت گیرد، چنانچه سبب ایجاد ترس ناگهانی منجر به زیان گردد، موجب ضمان ترساننده خواهد بود.

6-1- ورود زیان به سبب ترس مستقیم و بلاواسطه از عمل ترس آفرین

در این حالت، عامل ورود زیان همان فاعل عمل ترس آفرین است و عمل او مستقیماً و مستقلاً منجر به زیان می گردد. طبق قواعد عام مسئولیت مدنی، در صورتی که زیان مستند به عمل ترسناک باشد (رابطه سببیت بین زیان و عمل ترس آفرین احراز گردد) فاعل ترس، مسئول جبران خسارات وارده خواهد بود؛ مثل کسی که در ارتفاع ایستاده و در اثر فریاد عمدی دیگری تعادل خود را از دست می دهد و سقوط می کند. در فقه، تأسیس ضمان اخافه که جبران زیان ناشی از ترساندن را پذیرفته، مورد اجماع است؛ لکن ضمان مخیف (ترساننده) در تمامی صور وقوع زیان، با اختلاف نظر و تشتت آرای فقها همراه گردیده است. به طور کلی در تمام شقوق مسأله، سه نظر ارائه شده که حسب آن، گروهی ضمان مطلق، گروهی عدم ضمان مطلق و گروهی نیز تفصیل در ضمان مخیف را پذیرفته اند. بررسی نظرهای فقهی در باب ضمان اخافه ابتدا تداعی گر این است که قاعده کلی در فقه «عدم ضمان مخیف» است؛ چرا که عبارت «من صاح ببالغ غیر غافل فمات أو سقط فمات أو سقط فمات فلا دیه» به معنای این که «اگر کسی بر انسان بالغ آگاه (غیر غافل) فریاد بزند و آن فرد در اثر این فریاد بمیرد و یا این که از ترس بیافتد و سپس بمیرد، فریاد زننده ضامن نیست» عیناً یا با اندک تفاوتی در آثار تمام فقهایی که به این موضوع پرداخته اند، مشاهده می گردد. دلیل این که فقها فریاد زننده را از آغاز ضامن نمی شناخته اند این بوده که ایشان، نوعاً مرگ را قابل اسناد به فریاد نمی دانسته اند. از همین رو، در مسأله مذکور اصل را بر عدم اسناد قرار داده اند. البته گفته شده که اگر علم به اسناد مرگ به صیحه داشتیم، آنگاه صائح (فریاد زننده) ضامن است [17]؛ بنابراین، عدم ضمان فقط در فروضی است که مرگ، قابل انتساب به عمل ترس آفرین نباشد. چنانچه قرائنی وجود داشته باشد که مرگ را به عمل ترسناک منتسب سازد، آنگاه تردیدی در ضمان فاعل باقی نمی ماند. البته کثرت استعمال عبارت فوق، با کثرت تخصیص نیز مواجه شده و از این رو،

1- با وحدت ملاک از ماده 208 قانون مدنی که مقرر می دارد: «مجرد خوف از کسی بدون آن که از طرف آن کس تهدیدی شده باشد، اکراه محسوب نمی شود.»

2- mere fear

شائبه قاعده بودن عدم ضمان مخیف منتفی است. مروری بر اقوال فقها نشان می دهد که مصادیق ضمان مخیف، بسیار بیش تر از موارد عدم ضمان است. از همین رو، با نظر دیگری مواجه می گردیم که با لحاظ وضعیت «مخاف»، قائل به تفصیل در ضمان مخیف شده است. به همین علت، در ادامه عبارت فقهی مذکور، عبارت «ولو كان بالغاً مريضاً أو مجنوناً أو اغتفله وفاجأه بالصيحة» و این کان بالغاً كاملاً- فمات أو زال عقله ضمن الديه» نیز عیناً یا با اندکی تفاوت قابل مشاهده است [18].

مفهوم عبارت این است که اگر زیان دیده بالغ، عاقل یا غیر غافل (آگاه) باشد، آنگاه مخیف ضامن نیست. در نتیجه فقط در صورتی که زیان دیده نابالغ، مریض، مجنون یا بالغ عاقل غافل (ناآگاه) باشد، مخیف ضامن است. ملاحظه می گردد که ضمان مخیف در اینجا، با لحاظ کردن وضعیت مخاف استقرار یافته و این در حالی است که توجه به ویژگی ها و خصوصیات زیان دیده، در استقرار ضمان زیان زننده، با عموماًت مسئولیت مدنی (ضمان قهری) سازگاری ندارد. در نهایت نظر سوم که مقرون به صواب است، حکم به ضمان مطلق مخیف دارد. برخی از فقها با استناد به اطلاق صحیحه حلبی قائل به ضمان مخیف در تمام حالاتی هستند که زیان به سبب ترس ایجاد شده و رابطه سببیت بین زیان و ترس قابل احراز است [19]؛ یعنی اگر کسی دیگری را بترساند و آن فرد از ترس مریض شود، مخیف ضامن است. فرقی ندارد که این ترساندن به خاطر تأدیب و یا هر کار دیگری باشد [18]. به بیان دیگر، چنانچه استناد زیان با ملاحظه زمان و مکان، به صیحه محرز باشد، آنگاه مخیف ضامن است و از این حیث، نباید تفاوتی بین بالغ و نابالغ، عاقل یا مجنون و زن یا مرد قائل گشت [20].

باید پذیرفت که نظر قائلین به ضمان مطلق مخیف، با اصول کلی ضمان قهری سازگارتر است. توجه به ویژگی های زیان دیده یا ملاحظه اوضاع و احوال محیطی وقوع ضرر، خلاف قواعد ضمان قهری است؛ زیرا طبق قاعده اتلاف، چنانچه تلف مستند به فعل زیانبار باشد، ضمان هم بر فاعل آن مستقر می گردد. در حقوق ایران نیز ضمان در گرو رابطه سببیت بین زیان و فعل زیانبار است؛ بنابراین، اگر زیان وارد قابل اسناد به فعل ترسناک باشد، تردیدی در مسئولیت جبران خسارت توسط ترساننده وجود نخواهد داشت. این امر، توسط قانون گذار جزائی مورد تأکید قرار گرفته است. قانون مجازات، ترساننده را فقط ضامن خساراتی می داند که مستند به رفتار او باشد؛ بنابراین از نظر قانون گذار جزائی تحقق ضمان (دیه) بر مبنای رابطه سببیت و قابلیت استناد بنا نهاده شده، نه ویژگی های زیان دیده ترسیده یا اوضاع و احوال محیطی.¹

6-2- ورود زیان پس از فرار ناشی از عمل ترس آفرین

زیان دیده مباشر تلف است

در اینجا ترساننده سبب زیان را فراهم می کند و موجب می شود دیگری در وضعیتی قرار بگیرد که ورود زیان در آن وضعیت گریزناپذیر است. بر خلاف حالت قبل، این حالت ناظر به تمام مواردی است که فاعل به هر دلیلی (تأدیب یا شوخی) قصد ترساندن شخص معینی را دارد. بر خلاف حالت نخست که زیان منحصرأً مستند به ترس بود، در اینجا سبب دیگری در بروز زیان دخالت پیدا می کند و آن هم اقدام و رفتار فرد ترسیده است که بین فعل ترس آفرین و زیان قرار می گیرد. همین امر سبب گردیده که گروهی از فقها ورود زیان پس از فرار ناگهانی ناشی از ترس را «اتلاف بالخوف» نمی دانند و از این رو، آن را از قلمرو ضمان اخافه خارج کرده، در مورد آن بحث نکرده اند. در مقابل، گروهی به درستی فرض مذکور را ادامه حالت نخست دانسته و آن را در قلمرو ضمان اخافه مورد بررسی قرار داده اند؛ اما همین گروه از فقها نیز به نظر واحدی دست نیافته اند. در فقه، ضمان فردی که واکنش او سبب ترس، منجر به وقوع زیان می شود، با سه نظر مواجه شده است. گروهی قائل به عدم ضمان مطلق مخیف هستند. مخرج مشترک اقوال ایشان این است که «اگر کسی شمشیر بکشد و دیگری را به سوی خود

1- ماده 500 مقرر می دارد: «در مواردی که جنایت یا هر نوع خسارت دیگری مستند به رفتار کسی نباشد، مانند این که در اثر علل قهری واقع شود، ضمان منتفی است».

بخواند، و آن فرد از ترس فرار کرده، از ارتفاع یا کوه بیافتد یا داخل چاه سقوط کند و بمیرد، مخیف (طالب) ضامن دیه نیست؛ زیرا او زیان دیده (مخالف) را وادار به فرار کرده است نه وادار به سقوط؛ بنابراین وی با اختیار، خودش را به هلاکت رسانده است. در اینجا مخیف، سبب و مخاف، مباشر است و در اجتماع بین مباشر و سبب، ضمان بر عهده سبب نخواهد بود» [21].

قائلین به عدم ضمان مخیف که همگی متأثر از نظر شیخ طوسی هستند، با تکرار استدلال شیخ، مبنی بر این که «مخیف فقط مخاف را وادار به فرار کرده، نه وادار به سقوط»، معتقدند که زیان دیده ترسیده خود اقدام به هلاک خویش کرده و مباشر تلف محسوب می گردد [17]. محور اصلی حکم عدم ضمان، در تأکید ایشان بر «مباشرت» زیان دیده ترسیده است [12]. البته برخی نیز مختار بودن مخاف را دلیل عدم ضمان مخیف دانسته، معتقدند: «انسانی که فرار می کند اگر مختار باشد خودکشی کرده و اگر مکره باشد، باز هم حق کشتن خویش را ندارد و در نتیجه ضمان دیه بر عهده کسی نیست» [8].

این استدلال که عدم ضمان مخیف را در پی دارد، با قواعد عام اتلاف و تسبیب سازگار نیست. مگر نه این که فرار به سبب اخافه صورت گرفته و اگر اخافه ای نبود، فرار هم نبود. علاوه بر این، زیان (افتادن از ارتفاع یا سقوط به داخل چاه) به سبب فرار بوده و اگر فرار نبود، زیان هم نبود. در نتیجه، اگر اخافه نبود، زیان هم نبود [12]؛ مضافاً این که می دانیم اکراه و غرور از عوامل ضعف مباشر هستند و باعث سقوط ضمان از دوش مباشر می گردند. در اینجا نیز اخافه به نوعی حکم اکراه را دارد؛ یعنی مخاف به اختیار خود اقدام به فرار نکرده، بلکه اراده او متأثر از فعل مخیف بوده است؛ بنابراین اخافه هم می تواند موجب ضعف مباشر گردد و ضمان را ساقط کند. نظر دوم تفصیل در ضمان است که طی آن، گروهی با توجه به وضعیت مخاف از حیث «بینایی» قائل به تفصیل شده، فقط زمانی که مخاف نابینا باشد، مخیف را ضامن می دانند [22].

برخی دیگر نیز «زوال یا عدم زوال عقل» مخاف را هنگام واکنش ناگهانی به ترس (مثل فرار) مبنای تفصیل در ضمان قرار داده اند. در نظر ایشان «اگر کسی دیگری را بترساند و او از ترس فرار کند و خودش را از بلندی پرتاب کند یا به داخل چاهی بیاندازد و بمیرد، اگر عقل و اختیارش به واسطه ترساندن، از بین رفته باشد، آنگاه ترساننده ضامن است و در غیر این صورت، ضمانی بر عهده او نیست» [2]. گروه سومی هم از حیث اوضاع و احوال محیطی، قائل به تفصیل شده و معتقدند: «وقتی کسی الزام به فرار شد، اگر مندوحه داشته (می توانسته از راه دیگری فرار کند)، اما راهی را انتخاب کرده که منجر به مرگ شده، خودش مقصر است و کسی ضامن نیست» [12].

در نهایت گروه سوم حکم به ضمان مطلق مخیف داده و صرف نظر از تفصیل های فوق، در همه حالا مخیف را ضامن می داند. از نظر ایشان، مخاف به سبب اخافه در وضعیت اضطرار قرار گرفته و بنابراین در حکم مضطر بوده و ضمان از وی ساقط می گردد [18].

مشاهده می شود که مسأله مذکور در فقه با تشتت آراء مواجه گردیده، به گونه ای که به سختی می توان نظرهای مطروح را در کنار هم دسته بندی کرد. در واقع عدم توافق نظر فقها عظام در این باب می تواند دو دلیل داشته باشد؛ دلیل اول خطای ظریفی است که در ابتدای ضمان بر قواعد «مباشرت و تسبیب» رخ داده است؛ چرا که می دانیم ضمان مبتنی بر عنوان استناد است، یعنی باید مشخص گردد که اتلاف به چه کسی استناد دارد، خواه نامش سبب یا مباشر باشد؛ به عبارت دیگر ضابطه اصلی در شناسایی ضامن «تشخیص استناد زیان به فعل» خواهد بود. در تسبیب نیز معیار، انتساب و اسناد عمل زیانبار به زیان است و اینگونه امور نیز عرفی است؛ یعنی باید دید در نظر عرف زیان به چه کسی منتسب می گردد. دلیل دوم منشأ اختلال نیز شاید تمسک به قولی است که می گوید: «اگر یک فاعل عاقل مختار بین تلف و سبب قرار گیرد که بتواند از تلف جلوگیری کند، آنگاه خود او ضامن است، نه سبب» [21].

در پاسخ باید گفت که نمی توان هر عاقل مختاری را که به فعل خود نیز توجه داشته، مطلقاً ضامن شناخت. ابتدا باید دید چرا و چگونه وی در این حالت (بین زیان و فعل) قرار گرفته است. آیا به اختیار و انتخاب خودش بوده یا به سبب دیگری

(مثل اکراه یا غرور) ناخواسته به مباشرت تلف گردیده است. در اینگونه موارد، با ملاحظه اوضاع و احوال حاکم بر سبب و مباشر، «ضمن سبب، دایر مدار اقوا بودن سبب از مباشر است» [20].

در استقرار ضمان بر دوش عاقل مختاری که اقدام زیانباری را مرتکب می شود، تردیدی وجود ندارد، حتی اگر زیان را هم پیش بینی نمی کرده است؛ اما اگر همین عاقل مختار، مغرور یا مکره گردد، دیگر نمی توان ضمان را بر عهده وی مستقر کرد. اگر چه وی مباشر است، لکن در حالت اکراه، اکراه کننده و در حالت غرور، غار (فریب دهنده) که مسبب هستند، ضامن خسارتند. در اینجا نیز خوف موجب ضعف مباشر می شود و در نتیجه خائف از حیث ضمان، در حکم مکره یا مغرور خواهد بود [23].

ثالث مباشر تلف است

در این حالت، مخیف سبب و ثالث مباشر زیان محسوب می شود. در اینجا ورود زیان، حین واکنش زیان دیده ترسیده، از ناحیه ثالث رخ می دهد؛ یعنی کسی موجب ترس دیگری شده و او در واکنش بی اختیار (از قبیل فرار) به وسیله ثالث آسیب می بیند؛ مثل فرد وحشت زده ای که در حال فرار توسط یک خودرو زیر گرفته شود. در فقه مثالی وجود دارد که در کلام فقهای که به بحث ضمان ترس پرداخته اند، دیده می شود و می تواند از مصادیق حالت فوق باشد. مثال فقها این است که مخاف در حین فرار ناشی از ترس، وارد جنگل شده طعمه شیر گردد. حکم ضمان مخیف در این حالت نیز همانند صورت دوم است و در اینجا نیز اتفاق نظری در اقوال فقها مشاهده نمی شود. در این فرض، «مخیف» به عنوان سبب و «حیوان درنده» به عنوان مباشر در نظر گرفته شده و با رویکرد تسبیب و مباشرت در ورود زیان، اصل عدم ضمان مخیف با استناد به استدلال شیخ طوسی در اینجا هم جاری شده است. از همین رو، گروهی با استدلال به اقوا بودن مباشر (شیر) نسبت به سبب (مخیف) قائل به عدم ضمان مطلق برای مخیف هستند. گروهی نیز عدم ضمان را مقید دانسته، قائل به تفصیل در ضمان مخیف در شرایط متفاوت شده، مخیف را به عنوان سبب، فقط در موارد خاصی (مثلاً در صورت زوال عقل یا نابینا بودن مخاف) اقوا از مباشر (شیر) و در نتیجه ضامن می دانند [18].

سرانجام گروه سومی نیز وجود دارد که در همه حالات، سبب را اقوا از مباشر دانسته، حکم به ضمان مطلق برای مخیف می دهد. از نظر ایشان: «من حیث إنه لولا الأخافه، لم یحصل الهرب المتصی للتلف»؛ یعنی اگر اخافه نبود فراری که منجر به تلف شود، اتفاق نمی افتاد [24].

در اینجا نیز فقها عظام دچار همان اشتباه ظریف ابتدای ضمان بر تسبیب و مباشرت در شقوق مختلف شده اند. علاوه بر این، در مثال فقها حیوان درنده (شیر) به عنوان مباشر زیان معرفی گردیده است؛ در حالی که حیوان درنده در واقع به منزله یک حادثه اجتناب ناپذیر تلقی می شود که می تواند به عنوان اسباب خارجی ورود زیان مورد تحلیل قرار گیرد (مثلاً در حکم قوه قاهره باشد). نیز می توانیم بگوییم حیوان درنده در جنگل می تواند در شکل دیگری مثل خودروی در حال حرکت در اتوبان ظاهر شود و به عنوان دخالت ثالث تحلیل گردد. به هر حال مشخص نیست که فقها، مثال حیوان درنده را از نظر یک حادثه اجتناب ناپذیر و قوه قهریه بیان کرده اند یا صورت دیگری از زیان (مثلاً دخالت ثالث) را مدنظر داشته اند. در واقع آنچه فقها قصد بیان آن را داشته اند، حالتی است که در آن ورود زیان از ناحیه یک سبب ثالث خارجی، به صورت اجتناب ناپذیر رخ می دهد. این عامل ثالث می تواند از مصادیق «قوه قهریه» یا «دخالت ثالث» باشد. در حقوق ایران، برای تحلیل ضمان باید به قواعد عام مسئولیت مدنی مراجعه کنیم. با توجه به خاص بودن سبب ضمان (ترس)، از حیث نسبی بودن تحقق (کیفی و کمی) آن در افراد مختلف، بهتر این است به جای توجه به وضعیت شخصیتی (جسمی یا روحی) زیان دیده، و یا توجه به اوضاع و احوال محیطی، بر رابطه سببیت بین زیان و فعل زیانبار تمرکز گردد. باید دید زیان به چه کسی منتسب است، نه این که زیان

دیده چه وضعیتی داشته است؛ چرا که تشخیص زوال یا عدم زوال عقل خائف، دشوار و در برخی موارد که به مرگ بینجامد، محال است. در حقوق کامن لا، چنین تفکیک و تفضیلی مشاهده نمی گردد؛ لکن قواعد حاصل از سابقه قضایی، چارچوب قانونی مسئولیت ناشی از ترس را تبیین می کند. به طور خلاصه، برای اینکه زیان دیده مستحق دریافت خسارت گردد، لزوماً باید «رابطه سببیت» بین زیان و ترس و نیز نقض «تکلیف به مراقبت» توسط خواننده را اثبات کند.^۱

به نظر می رسد در تمام مواردی که فرد در اثر ترس شدید واکنشی مثل فرار از خود نشان می دهد، در آن زمان فاقد اختیار است؛ یعنی اختیار ناظر به حالت رضایت است و مختار به کسی اطلاق می گردد که نسبت به افعال و اعمال خود قدرت کنترل و تعقل دارد. در غیر این صورت، یعنی در حالتی که فرد به هر دلیل در وضعیتی است که مقهور فعل خویش است، نمی توان وی را مختار دانست [25]. وضعیّت مخاف هم چندان تفاوتی با وضعیّت مضطر، مکره و مغرور ندارد و باید او را فاقد اختیار و معاف از ضمان دانست.

7- نتیجه گیری

ترس که در ادبیات فقه و حقوق، با واژه خوف شناخته می شود، در عرصه های مختلف فقهی و حقوقی، منشأ آثار و تغییر در احکام وضعی و تکلیفی است تا جایی که در برخی شرایط موجب سقوط حکم اولی نیز می گردد. ترس (خوف) در قلمرو مسئولیت مدنی (ضمان قهری)، می تواند در نقش فعل زیانبار، موجب تحقق زیان و ضمان گردد. در فقه، مسئولیت مدنی ناشی از ترس ذیل عنوان «ضمان اخافه» مورد بررسی و پذیرش قرار گرفته است. از نظر فقها چون تحقق تلف و انتساب آن با اخافه امکان پذیر بوده است؛ بنابراین، اخافه یکی از موجبات ضمان در فقه محسوب می گردد. حقوق ایران نیز با الهام از فقه امامیه، ترساندن منجر به مرگ یا آسیب جسمانی را از موجبات دیه به شمار آورده است. مواد 499، ماده 500 و 501 قانون مجازات (مصوب 1392)، احکام مربوط را پیش بینی کرده اند. در نظام حقوق عرفی، مسئولیت ناشی از ترس، ذیل عناوین «مسئولیت بدون برخورد» یا «صدمات جسمی بدون تماس» و در حوزه حقوق شبه جرم ها، مورد پذیرش قرار گرفته است. ترساندن عمدی، یکی از انواع شبه جرم های «تعدی به شخص» محسوب می گردد که چنانچه منتج به زیان گردد، می تواند مبنای دعوی مطالبه خسارت قرار گیرد. در نهایت می توان نتیجه گرفت که در هر سه نظام حقوقی مورد مطالعه، اولاً تحقق زیان و ضمان از طریق اعمال غیر عادی (از قبیل: ترس، هیپنوتیزم، سحر یا جادو) مورد پذیرش است و ثانیاً جبران خسارت توسط ترساننده (مخیف) مستلزم استناد عرفی زیان، تسبیباً یا مباشرتاً، به عمل ترس آفرین است.

1- منظور از تکلیف به مراقبت (duty of care) تکلیفی است که قانون در برخی وضعیّت های تعهدآور بین خواهان و خواننده به رسمیت شناخته و خواننده را به رعایت آن در قبال تمام افراد بالقوه ای که در آن وضعیّت قرار می گیرند، مکلف کرده است.

مراجع

- 1- جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، محمود هاشمی، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت (ع)، ج 7، چ 1، قم، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی، 1423 ه. ق.، صفحه 243.
- 2- خمینی، ر.، "تحریر الوسیله"، چ 5، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، بی تا، 1389 ه. ش. صفحه 606.
- 3- الشیخ الحرالعالمی، "وسائل الشیعه"، ج 19، لباب 15 من أبواب موجبات الضمان، الحدیث 2، داراحیاء التراث العربی، 1409 ه. ق.، صفحه 188.
- 4- Hanford P, Mullany N., Mitchell P., *Tort liability for psychiatric damage*, 2 ed, Australia, law book Co, 2006.
- 5- Garner B., *Black's Law Dictionary*, 2th ed, U.K, West Group (Law), 2000.
- 6-Marcus P., Kahann D., *Assault and battery*, Encyclopedia of Crime and Justice, available at: www.encyclopedia.com. 2010.
- 7- Catherine E., Frances Q., *Criminal Law*, 6th Edition U.K, Longman, 2006.
- 8- نجفی، م.، ج"واهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام"، چ 7، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1404 ه. ق. صفحه 567.
- 9- مراغی، م.، "العناوین الفقهیه"، ج 1، چ 1، قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1417 ه. ق.، صفحه 309.
- 10- Bruce A., feldthusen B., *Canadian Tort Law*, 9th ed, Canada, exisNexis, 2011.
- 11- عاملی، ز.، "مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام"، چ 1، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413 ه. ق.، صفحه 315.
- 12- عاملی، ج.، "مفتاح الكرامه فی شرح قواعد العلامه"، چ 1، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1413 ه. ق.، صفحه 278.
- 13- MacNeice, Harold F., *Psychic Injury and Tort Liability in New York*, St.John's Law Review: Vol. 24: Iss., 1949.
- 14- William H., *Recovery For Physical Injury Resulting From Fright Without Impact*, Maryland. Law Review, 48, 1962.
- 15- Charley js. Schrader jr., *Torts liability for Consequential Injuries*, Louisiana Law Review, 21, 1961.
- 16- حلی، ح.، "قواعد الأحكام فی معرفه الحلال و الحرام"، ج 3، چ 1، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1413 ه. ق.
- 17- طرابلسی، ا.، "المهذب"، ج 2، چ 1، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، 1406 ه. ق.، صفحه 232.
- 18- اصفهانی، م.، "كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام"، ج 11، چ 1، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1416 ه. ق.، صفحه 249.
- 19- حکیم، م.، "منهاج الصالحین"، ج 3، چ 1، دار الصفوة، بیروت، 1415 ه. ق.، صفحه 330.
- 20- حلی، ف.، "ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد"، ج 4، چ 1، قم، مؤسسه اسماعیلیان، 1417 ه. ق.، صفحه 487-489.
- 21- حلی، ن.، "شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام"، ج 4، چ 2، قم، مؤسسه اسماعیلیان، 1408 ه. ق.، صفحه 230.
- 22- اردبیلی، ا.، "مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان"، ج 14، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، 1403 ه. ق. صفحه 112.
- 23- سبزواری، ع.، "مهذب الأحكام"، ج 30، چ 4، قم، مؤسسه المنار، 1413 ه. ق.، صفحه 552.
- 24- گیلانی، م.، "جامع المسائل"، ج 5، چ 2، دقم، دفتر معظم له، 1426 ه. ق.، صفحه 250.
- 25- محقق داماد، م.، "قواعد فقه 1"، بخش مدنی، چاپ 7، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، 1387 ه. ش.، صفحه 150.